ایران جهان



سیاست و حقوق

عدم همکاری با جبهه دموکراسی خواهی ۴
علل اطاله رسیدگی به دعاوی ... ۵



سیاست و بین‌الملل

یک مسئله کاملاً مدرن ۶
حمایت اعراب از حزب‌الله لبنان .. ۷



اروپا و آمریکا

رقیب یوشچنکو نخست‌وزیر می‌شود ۸



جهان

بازدید مقامات ژاپن از معبد یاسوکنی ۹

مسئولیت‌شناسی در شرایط بحرانی

بهره‌برداری از تجربه زیدان در عرصه سیاست خارجی

سیداحمد حسینی



شیراک رئیس‌جمهور و زیدان کاپیتان تیم ملی فرانسه پس از مسابقات جام جهانی. عکس: کوربیس

بازی‌های جام جهانی با همه تلخی‌ها و شیرینی‌ها پایان یافت و کشورها، مزد زحمات و برنامه‌ریزی‌های خود را دریافت کردند. از میان حوادث این جام، هیچ‌کدام به اندازه حادثه دقایق پایانی بازی فینال دو تیم فرانسه و ایتالیا و لحظه برخورد زیدان‌الدین زیدان با بازیکن ایتالیایی در اذهان علاقه‌مندان به فوتبال و مردم دنیا بر جای نمانده است. چرا که این حادثه، لحظه‌ای بود که خلاقیت‌ها و تجربه چندین ساله شخصیتی مانند زیدان را به چالش کشید و فتح جام جهانی را که دستیابی به آن توسط تیم فرانسه محتمل به نظر می‌رسید را غیرممکن ساخت و علاوه بر مخدوش شدن اعتبار این فرد، نظم فکری و مرکز فرماندهی تیم فرانسه را از هم پاشید. در مورد چرایی این ماجرا و انگیزه‌های بازیکن افسانه‌ای فوتبال فرانسه مطالب زیادی نوشته شده و تحلیلگران از زوایای مختلف به آن نگریسته‌اند. در ایران نیز این موضوع، انعکاس وسیعی داشت و حتی برخی از شخصیت‌های سیاسی و پارلمانی به این حادثه واکنش نشان دادند.

اما در این نوشتار تلاش داریم از زاویه متفاوت به این موضوع نگاه کنیم و به رابطه این رویداد در عرصه منافع ملی جمهوری اسلامی نگاه کنیم. ببینیم چگونه می‌توانیم از نتایج چنین رویدادی در عرصه سیاست خارجی بهره ببریم و به ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه کمک کنیم؟ برای این کار زیاد به گذشته بازنمی‌گردیم و تنها تحولاتی که در سال‌های اخیر در داخل جمهوری اسلامی ایران و پیرامون آن اتفاق افتاده است را مرور و آنگاه می‌بینیم که چه اقداماتی باید برای تداوم مسیر اقتدار همه‌جانبه ایران برداشته شود. پس از پایان جنگ تحمیلی، تلاش همه‌جانبه برای ساختن خرابی‌های ناشی از جنگ و بهبود وضعیت اقتصادی و بالا بردن توان تولیدی کشور آغاز شد. خوشبختانه با کمک خداوند متعال و همت مردم و مسئولان و گام‌های بلندی که برداشته شد تحول جدی در این زمینه رخ داد و کشور توانست خود را در ردیف کشورهای رو به رشد منطقه خاورمیانه قرار دهد.

در این سال‌ها کشور علاوه بر اینکه توانست توان خود را در بخش‌های مختلف تولیدی احیا کند با شرایط خوبی از حیث حضور در بازارهای منطقه و همسایگان مواجه شد. در چنین وضعیتی شرکت‌های ایرانی با صدور کالاهای تولیدی و نیز ارائه خدمات فنی مهندسی توانستند توان خود در عرصه رقابت خارجی را به نمایش بگذارند. این حضور هر چند با آزمون و خطاهای زیادی مواجه بود و چه بسا در بسیاری موارد فاقد شرایط رقابتی و حمایت کامل نهادهای دولتی ذی‌ربط بود اما از این نظر که کشور پس از سال‌های متمادی که فقط در ردیف واردکنندگان عمده محصولات و کالاهای تولیدی دیگران بود فرصتی می‌یافت که به نوعی در ردیف صادرکنندگان کالا و خدمات نقش خود را ایفا کند، ارزنده و تحول‌آفرین است.

■ **حادثه ۱۱ سپتامبر و تاثیر آن بر موقعیت ایران در منطقه**

حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله به شهرهای آمریکا، حادثه‌ای بود که تاثیر زیادی بر تحولات سیاسی و امنیتی جهان بر جای گذاشت. طبعاً جمهوری اسلامی ایران که در منطقه حساس خاورمیانه واقع است نمی‌توانست از تاثیرات و پیامدهای آن به‌دور باشد. ایران از جمله نخستین کشورهایی بود که این حادثه را محکوم و همدردی خود را با آسیب‌دیدگان این حادثه فارغ از مسائل سیاسی موجود در روابط با دولت آن کشور اعلام کرد.

اما برخلاف نگرانی‌های اولیه و امواج تبلیغات هدفدار رسانه‌ای کشورهای بزرگ که تلاش می‌کردند وقوع این حادثه را به مسلمانان و کشورهای اسلامی نسبت داده و توجهات را به سوی برخورد با کشورهای مهم منطقه خاورمیانه سوق دهند، در عمل پیامدهای ناشی از عکس‌العمل آمریکا در حمله به افغانستان و عراق و مبارزه با تروریسم به گونه‌ای شد که موجبات اقتدار بیش از پیش ایران فراهم شد. در این بخش هر یک از موارد ذکر شده به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد:

■ **الف – تغییرات اوضاع در افغانستان**

در شرایطی که موجی از تبلیغات رسانه‌ها و مواضع سیاسی آمریکا و غرب مسلمانان را هدف گرفته و بر لزوم برخورد با کشورهای اسلامی تاکید می‌کردند ناگهان نوک پیکان موضع‌گیری آمریکا به سمت افغانستان نشانه گرفت و حمله به آن کشور و سرنگونی رژیم طالبان و القاعده در دستور کار مقامات کاخ سفید قرار گرفت و نیروهای نظامی آن کشور، حمله به افغانستان را آغاز کردند. ایران هر چند حمله به کشور افغانستان و مردم بی‌گناه این کشور را حرکتی یک‌جانبه تلقی و محکوم می‌کرد اما به زودی واقعیتی به وقوع پیوست که کاملاً در راستای منافع ملی‌اش بود. از بین رفتن ماشین جنگی طالبان و متواری شدن نیروهای القاعده که به خطر عمده‌ای برای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده بود واقعیتی بود که به وقوع پیوسته بود. جالب است توجه کنیم که وضعیت در افغانستان قبل از حمله آمریکا و متحدانش به آن کشور به گونه‌ای بود که طالبان و نیروهای القاعده مزاحمت‌ها و تهدیدات زیادی برای جمهوری اسلامی در مناطق تماس با آن کشور ایجاد کرده و تعداد ۱۱ نفر از دیپلمات‌های ایرانی در آن کشور به طرز فجیعی به شهادت رسیده بودند. علاوه بر اینها، تحرکاتی از سوی منافقین در حال انجام بود که نیروهای خود را به افغانستان برده و پیوندی را با نیروهای طالبان و القاعده علیه ایران ایجاد کند. فراموش نمی‌کنیم که وضعیت در آن ایام به گونه‌ای بود که حتی لشکرکشی نیروهای ایرانی در جوار مرز با افغانستان صورت گرفت و حتی صحبت از این بود که علیه نیروهای طالبان وارد عمل شویم.

■ **ب – عراق و سرنگونی رژیم بعثی**

دومین لشکرکشی آمریکا به همسایه غربی ایران یعنی عراق نیز حادثه‌ای بود که به فروپاشی رژیم بعث انجامید. این حادثه منجر به آن شد که نیروهای متمایل به ایران یعنی شیعیان و کردها به موقعیت بسیار متفاوتی از قبل رسیدند و خواستار روابط دوستانه و نزدیک با تهران شدند. این واقعیتی است که برخی از کشورهای عربی و حتی خارج از منطقه نسبت به آن حساس شده و در خصوص قدرت‌یابی ایران در منطقه خاورمیانه هشدار داده‌اند. یوگنی پریماکف نخست‌وزیر سابق روسیه و چهره شاخص شرق‌گرای آن کشور در سفر چندی پیش خود به عربستان موقعیت ایران در منطقه و پیدایش هلال شیعی از لبنان تا ایران را یادآور و پیدایش این محور را زمینه‌ساز پیدایش قطب‌بندی‌ها و تقسیمات گسترده‌ای در جهان عنوان کرده بود. به هر حال این شرایط نه تنها اوضاع سیاسی منطقه را عوض کرده بلکه در عرصه اقتصادی نیز زمینه‌ای بسیار بکر و آماده را برای حضور اقتصادی ایران فراهم ساخته است و فرصت گرانبهایی است که باید شرایط مساعد سیاسی و استقبال مقامات عراقی را برای نقش‌آفرینی اقتصادی ایران مغتنم شمرد.

■ **پ – پیروزی حماس در انتخابات فلسطین**

روی کار آمدن دولت حماس در فلسطین رویداد دیگری است که طی ماه‌های اخیر در ادامه تحولات خاورمیانه صورت گرفته است. پیروزی این جنبش که رابطه دوستانه‌ای با جمهوری اسلامی ایران دارد برگ برنده‌ای برای جمهوری اسلامی ایران است چرا که با استفاده از شیوه‌های دموکراتیک که مورد ادعای کشورهای غربی است و همواره کشورهای دیگر را به نقض آن متهم می‌کنند صورت گرفته است.

رویکرد اشتباه آمریکا و کشورهای اروپایی در قطع کمک به دولت جدید فلسطین، حقانیت موضع ایران را اثبات و نشان داد که غربی‌ها تنها تا حدی اصول مورد ادعای خود در زمینه دموکراسی و حقوق بشر را رعایت می‌کنند که منطبق بر منافع آنان باشد.

■ **ت – تحولات لبنان**

رویدادهای سیاسی کشور لبنان در سال‌های اخیر نیز به سود نیروهای مقاومت و حزب‌الله و جمهوری اسلامی ایران رقم خورده است. بیرون راندن رژیم صهیونیستی از اراضی اشغالی جنوب لبنان رویدادی بود که در طول حیات پنجاه‌ساله رژیم اسرائیل سابقه نداشته و این رژیم در پی هر تجاوزی بخشی از کشورهای همسایه را اشغال و آن را در کنترل خود نگه داشته بود.

حزب‌الله توانست برای اولین‌بار به عمر چنین رویکردی پایان داده و نیروهای اسرائیلی را با خفت از سرزمین خود بیرون براند. این نقطه عطفی در تاریخ مبارزات کشورهای اسلامی و عربی بود که انعکاس وسیعی در جهان و کشورهای منطقه داشت و جوانان عرب از این پیروزی احساس غرور می‌کنند. در شرایط کنونی نیز حزب‌الله با تکیه بر ایمان الهی و توان رزمی خود یک‌بار دیگر جایگاه خود به‌عنوان یک نیروی اصیل و برخاسته از اراده مردم لبنان را به اثبات رسانده است.

■ **ث – نقش محوری ایران در جهان اسلام و نمایندگی اسلام مترقی و صلح‌طلب**

تحولات سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانه و حوادث گوناگون از جمله: درگیری‌ها، بمب‌گذاری‌ها، ترورها و عملیات‌های انتحاری که برخی از آنها توسط گروه‌های تندرو و افراطی رخ داده است هیچ‌گونه ارتباطی با اسلام از نوع ایرانی نداشته و در میان متهمان به این قبیل اقدامات، حتی یک نام شهروند ایرانی به چشم نمی‌خورد. حادثه ۱۱ سپتامبر به‌عنوان مهمترین حادثه‌ای که تحولات و چالش‌های مهم بین‌المللی را در پی داشت رویدادی است که از سوی رسانه‌های غرب و آمریکایی به حرکت‌های اسلامی نسبت داده شد اما جالب است که در این حادثه نیز هیچ‌گونه آثاری از مشارکت شیعیان و شهروندان جمهوری اسلامی ایران مشاهده نشد. نمونه دیگر بحران چچن و پدیده جدایی‌طلبی در فدراسیون روسیه و جریانات افراطی در منطقه CIS است که تحت عنوان وهابیگری نام گرفته است. جالب است اشاره شود که جمهوری اسلامی ایران در قبال این حوادث موضع اصولی خود را طی سال‌های اخیر اتخاذ کرده و هیچ‌گونه آثاری از ارتباط حرکت‌های مرتبط با این جریانات با مراکز فعال اسلامی ایران مشاهده نشده است. مقامات روسی در این خصوص بارها یادآور شده‌اند در حالی که بسیاری از کشورهای اسلامی و در سال‌های پس از فروپاشی شوروی با حمایت مادی و معنوی از نیروهای چچنی روسیه را با چالش جدی مواجه می‌کردند و به آموزش این نیروها در خاک خود و حمایت مادی و معنوی از آنان می‌پرداختند ایران بر این اعتقاد بود که مسلمانان تنها در سایه مشارکت در ساختارهای قانونی این کشور می‌توانند به حقوق حقه و جایگاه واقعی خود دست یابند. اما در مجموع این نتیجه به دست آمده است که اسلام ایرانی و شیعی، دینی اهل مدارا و انعطاف است که برای پیشبرد اهداف خود به هیچ‌وجه نسخه‌های تند و افراطی و برخوردهای خشونت‌آمیز تجویز نمی‌کند و خواستار زندگی مسالمت‌آمیز با سایر ادیان است در نتیجه چنین دستاوردی این کشورها تمایل دارند جمهوری اسلامی ایران با فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی خود خلأ معنوی و ایدئولوژیکی در این کشورها را پر کند و به فعالیت‌های رسمی در این مناطق بپردازد. در زمینه جهان اسلام و افکار عمومی مسلمانان نیز این واقعیت به روشنی به چشم می‌خورد که جمهوری اسلامی ایران محور حرکت‌های اصیل و ریشه‌دار در جهان اسلام است و در شرایطی که بسیاری از حکومت‌های اسلامی منافع فردی و کشوری خود را پیشه کرده و در هنگام تصمیم‌گیری منافع خود را بر مصالح کلی مسلمانان ترجیح می‌دهند این ایران است که تعهد و پایبندی خود را بر موازین اسلامی نشان می‌دهد و از آرمان امت اسلامی دفاع می‌کند.

■ **ج – دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای**

فرآیند ارتقای قدرت و جایگاه ایران در منطقه حساس خاورمیانه با رویداد دیگری همراه شده است که بسیار حائزاهمیت است. روی‌آوری ایران به استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، ساخت نیروگاه هسته‌ای و از همه مهم‌تر دستیابی به فناوری تولید سوخت هسته‌ای و ورود به جرگه دارندگان این تکنولوژی در شرایطی که این رشته با کاهش منابع هیدروکربنی و نیز اصل صرفه اقتصادی بیش از پیش اهمیت می‌یابد عاملی است که موقعیت ایران را متفاوت از همه کشورهای منطقه ساخته است.

طبیعی است برخورداری کشور از موقعیت استراتژیکی نظیر ایران که حلقه اتصال شمال، جنوب، شرق و غرب است و نیز سیر تحولاتی که منجر به ارتقای جایگاه آن در منطقه شده است موضوعی نیست که بدون توجه و حساسیت کشورهای دیگر و به ویژه قدرت‌های بزرگ صورت گیرد به ویژه اینکه جمهوری اسلامی ایران در ۲۷ سال گذشته بر پایه سیاست مستقل و بدون اتکا به قدرت‌های بزرگ این مسیر دشوار را پیموده است. برای پاسداشت جایگاهی که به آن نائل شده و موقعیتی که به آن دست یافته‌ایم تدابیری لازم است که در بخش‌های بعدی به آن اشاره خواهد شد.

■ **چ – مزیت ایران در عرصه انرژی**

منابع سرشار انرژی اعم از نفت، گاز و برق و برخورداری از موقعیت برتر استراتژیک موقعیتی است که به ایران توان بالایی برای بازیگری در تحولات منطقه می‌دهد.

این وضعیت با گذشت زمان نه تنها دچار افول نمی‌شود بلکه شاهد روند روبه‌تزاید تقاضای کشورهای مختلف در این زمینه‌ها هستیم. نیاز روزافزون اروپا و شبه‌قاره هند به گاز ایران، نیاز همسایگان به ایران چه در بخش دریافت انرژی و چه در بخش ترانزیت انرژی مازاد آنان به بازارهای مصرف واقعیتی است که به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را نادیده گرفت. برتری ایران در این بخش تنها به منابع هیدروکربنی محدود نمی‌شود و حتی آب که ساده‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عنصر حیات است نیز در سبد مزیت‌های ایران قرار دارد و درخواست‌های زیادی برای صادرات آب شیرین ایران به کشورهای همسایه به خصوص در حاشیه خلیج فارس وجود دارد. اهمیت این امر از آن جهت است که تحلیلگران منابع آبی را یکی از موضوعات مهم مورد منازعه در منطقه خاورمیانه می‌دانند.

■ **مسئولیت تاریخی در شرایط کنونی**

در جمع‌بندی مباحث مطرح شده به این نتیجه می‌رسیم که جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر به مدد لطف الهی و تلاش‌ها و مجاهدت‌های ملت بزرگ و اهتمام مسئولین و تیزبینی رهبران خود به جایگاه رفیعی در منطقه خاورمیانه دست یافته و به‌عنوان یک نیروی تعیین‌کننده در سمت‌وسوی تحولات این منطقه و حتی نظام بین‌الملل درآمده است.

چنین وضعیتی برای ایران در دهه‌های اخیر کم‌نظیر بوده و این وضعیت در شرایطی تحقق یافته است که قدرت‌های جهانی هر آنچه در امکان داشته‌اند به کار برده‌اند تا جمهوری اسلامی ایران نتواند تجربه موفقی از خود فراروی کشورهای مستقل، آزادیخواه و مسلمان قرار دهد. اما واقعیت این است که حفظ قدرت بسیار سخت‌تر و دشوارتر از به دست آوردن آن است و اگر دقت کنیم ما در فرازهایی از تاریخ خود به موقعیت‌های خوبی نائل اما در نگهداری و استفاده بهینه از آن دچار مشکلاتی شده‌ایم. اکنون باید یک‌بار دیگر مسیر پیموده شده را مرور کنیم و ببینیم که چگونه می‌توانیم پایه‌های اقتدار کنونی خود را در منطقه تثبیت و نهادینه کنیم؟

انکار نمی‌توانیم کنیم که این قدرت به دست آمده، دشمنان و بدخواهان زیادی دارد که قدرت‌های بزرگ با استفاده از ابزارهای گوناگونی بر دامنه دشمنی و مخالفت آنان می‌افزایند. به انرژی هسته‌ای و توفیق ایران در این زمینه نگاهی کنیم. حجم وسیعی از تبلیغات مسموم را می‌بینیم که برخی از همسایگان را به بهانه تهدید اتمی ایران و در تیررس قرار گرفتن شهرها و مناطق خود از ایران دور می‌کنند. برخی دیگر را به بهانه مخاطرات زیست‌محیطی ناشی از پروژه‌های هسته‌ای ایران و از جمله نیروگاه بوشهر از ایران هراسان می‌سازند و این در حالی است که این طرح کاملاً تحت‌نظر و نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد. در زمینه دیگر درخصوص هلال شیعی این موضوع را خطری برای منطقه خاورمیانه و پیدایش مخاطرات فراوان در منطقه و عنصر بی‌ثباتی در آینده می‌دانند و از همین دریچه به حوادث تلخ کنونی در لبنان و نبرد حزب‌الله با اسرائیل متجاوز می‌نگرند.

در این فرصت به مسئولیت تاریخی و ملی خود برمی‌گردیم و عنوان این گفتار یعنی رفتاری که زیدان در بازی حساس و سرنوشت‌ساز خود انجام داد. باید مراقب باشیم که در لحظات حساس کنونی با تحریک و سناریوهای دشمنان و بدخواهان همانند زیدان عصبانی نشویم و تصمیمات احساسی و عاطفی نگیریم. باید همه اندیشمندان و متفکران خود را بسیج کنیم که کشور را از مرحله حساس کنونی به سوی آینده روشن عبور دهیم.

اکنون ما وظیفه داریم که در قبال جایگاهی که کسب کرده‌ایم سیگنال‌های مثبت، سازنده و اعتمادآفرین به جهان بفرستیم. باید اثبات کنیم که اقتدار همه‌جانبه ایران در خدمت صلح و آرامش منطقه است و همه همسایگان احساس کنند که در صورت مشارکت با این قدرت می‌توانند ثبات و امنیت پایداری برای خود متصور شوند.

باید دستگاه سیاسی و دیپلماسی ما به حرکت ایجاد اعتماد همسایگان و کشورهای دوست شتاب بیشتری دهد و این ایده که از هسته‌ای شدن ایران خطری متوجه دنیا می‌شود را نقش بر آب کرد.

خبرها

هشدار معاون وزیر خارجه در مورد نفت ۲۰۰ دلاری

گروه سیاسی: «منوچهر محمدی» معاون آموزشی و پژوهشی وزیر امور خارجه ایران با انتقاد از عملکرد شورای امنیت سازمان ملل در قبال حملات ددمنشانه اسرائیل به لبنان و فلسطین و موضعگیری‌های این شورا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران گفت این شورا اکنون به «شورای ناامنی» تبدیل شده است. محمدی در مصاحبه با روزنامه «گرانمای» چاپ کوبا افزود: «متاسفانه نفوذ و تسلط کشورهای قدرتمند در شورای امنیت سبب شده است تا این شورا به یک شورای ناامن تبدیل شده و از انجام وظایف خود بازبماند.» وی این اظهارات را در پاسخ خبرنگار کوبایی مطرح کرد که پرسید تحلیل شما از دوگانگی موجود در شورای امنیت که حتی یک قطعنامه یا بیانیه در محکومیت کشتار مردم لبنان از سوی رژیم صهیونیستی صادر نکرده، اما در ارتباط با فعالیت‌های صلح‌آمیز ایران به سرعت وارد عمل شده است، چیست؟ معاون وزیر خارجه ایران گفت: «هرجا که منافع اعضای شورا اقتضا کند، آنان قطعنامه صادر می‌کنند ولی در مقابل جنگ تمام‌عیار و بی‌رحمانه‌ای که اسرائیل علیه مردم مظلوم لبنان به راه انداخته است، حتی مانع برقراری آتش‌بس می‌شوند.» وی تاکید کرد: عملکرد دوگانه شورای امنیت سبب شده است تا سازمان ملل مشروعیت و اعتبار خود را نزد ملت‌های جهان از دست بدهد. محمدی درباره موضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به قطعنامه اخیر شورای امنیت سازمان ملل که در واقع، ایران را از دسترسی به تکنولوژی هسته‌ای منع می‌کند، اظهار داشت: قطعنامه صادره از سوی شورای امنیت نه فقط غیرقانونی، بلکه غیرقابل اجرا و در ادامه فشارهای آمریکا علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران است. معاون وزیر امور خارجه افزود: آنها امیدوارند با اعمال این قبیل فشارها، ایران را از دسترسی به حقوق قانونی خود محروم سازند در حالی که جمهوری اسلامی ایران در چارچوب ان‌پی‌تی، هرگز از حقوق مسلم خود در بهره‌گیری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای صرف‌نظر نخواهد کرد. محمدی که برای بررسی راه‌های گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران به ویژه در عرصه همکاری‌های علمی و پژوهشی به آمریکای لاتین سفر کرده است، هفته جاری از کوبا دیدن کرد و اکنون در ونزوئلا به سر می‌برد. به گزارش خبرگزاری رویترز، منوچهرمحمدی معاون وزیر امور خارجه ایران به تلویزیون دولتی ونزوئلا در کاراکاس گفت: اولین پیامد چنین تحریم‌هایی افزایش قیمت نفت تا حدود ۲۰۰ دلار در هر بشکه خواهد بود.

رایس: مسیر دیپلماتیک در مسئله هسته‌ای ایران هنوز باز است

ایسنا: وزیر امور خارجه آمریکا گفت که مسیر دیپلماتیک در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران هنوز بسته نشده است. کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا به شبکه خبری سی‌ان‌ان گفت: اگر ایران نسبت به یافتن یک برنامه هسته‌ای غیرنظامی که اجازه تولید سلاح را نمی‌دهد، جدی باشد ما از مشارکت در آن روند بسیار بسیار خوشحال خواهیم شد. وی افزود: مسیر دیپلماتیک همچنان باز است.

فیشر: زمان دیپلماسی هوشیارانه درباره ایران فرارسیده است

مهر: یوشکا فیشر در گفت‌وگویی ضمن بیان این مطلب که زمان دیپلماسی هوشیارانه درباره ایران فرارسیده است، خواستار توقف برنامه هسته‌ای تهران شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، فیشر وزیر امور خارجه سابق آلمان در گفت‌وگویی با روزنامه آلمانی «زوددویچه سایتونگ» که در سرمقاله دیروز آن به چاپ رسید، درباره بیانیه‌های رسمی ایران درباره قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل اظهار داشت: «بیانیه‌های رسمی ایران درباره قطعنامه سازمان ملل به طور مشخص منفی هستند.» وی افزود: «دیپلمات‌های غربی باید تماس‌ها را در تمامی سطوح در ایران پیگیری کنند، زیرا سیاستمداران رادیکال و اصلاح‌طلب بگومگوهای داغی را در پشت درهای بسته درباره موضوع هسته‌ای کشورشان داشتند.» فیشر با بیان این مطلب که وی به سرمایه‌داران در ایران هشدار داد که اگر ایران اولتیماتوم شورای امنیت سازمان ملل را نادیده بگیرد، با پیامدهای جدی روبه‌رو خواهد شد، خاطرنشان کرد: «محتوای اصلی گفت‌وگوهای من هشدار درباره پیامدهای منفی بود و من این کار را بدون هیچ‌گونه ظرافت و حساسیت دیپلماتیک انجام دادم. ایران باید غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند.» وزیر امور خارجه سابق آلمان در پاسخ به این سئوال که آیا وی معتقد است که هنوز هم می‌توان ایران را برای انجام چنین کاری (توقف غنی‌سازی اورانیوم) متقاعد کرد، بیان داشت: «زمان دیپلماسی هوشیارانه فرارسیده است. در اصل این کار بستگی به رفتار آمریکا در قبال ایران دارد.»

نقدی بر سرمقاله همه ما لبنانی هستیم

دوروی یک سکه

مسعود رضایی*

هنگامی که تیتر سرمقاله روزنامه شرق (۸۵/۵/۸) به قلم جنابعالی را دیدم: «همه ما لبنانی هستیم»، بسیار خوشحال شدم از این بابت که احساس کردم مقاومت جانانه نیروهای حزب‌الله در برابر ارتش جرار و خون‌ریز صهیونیست‌ها، چه تبعات مبارکی بر فکرها و نگاه‌ها داشته است. کسی که پیش از این به هنگام تهاجم نیروهای آمریکا به خاک عراق در سرمقاله‌اش «جنگ، صلح است» (۸۳/۳/۲۶) از ورود نیروهای آمریکایی به «خاک خاورمیانه» برای از میان برداشتن «فاشیسم خاورمیانه» استقبال کرده و شادمانه گفته بود: «آمریکایی‌ها همان گونه که در ساحل نورماندی پیاده شدند تا با دخالت در اروپا برادر بزرگ‌تر خویش را از چنگال فاشیسم نجات دهند از ساحل خلیج فارس وارد خاک خاورمیانه شدند تا فاشیسم خاورمیانه را نیز نابود کنند» و آنگاه در آستانه تشکیل جلسه شورای حکام با دستور کار رسیدگی به پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران به آنها توصیه کرده بود که تلاش کنند تا «بنیادگرایان» را که قصد دستیابی به سلاح اتمی دارند ناکام بگذارند چرا که «دستیابی بنیادگرایان به بمب اتم آغاز دوره‌ای جدید از صلح مسلح در جهان است» اینک خود را به مثابه یک رزمنده لبنانی و یک نیروی مقاومت در مقابل متحد استراتژیک آمریکا می‌خواند. اما هنگامی که متن سرمقاله جنابعالی را خواندم آن خوشحالی به کلی از بین رفت چرا که دیدم در بر همان پاشنه می‌چرخد. این بار نیز دقیقاً همان را گفته بودید که مطبوع طبع دیگران بود اما تحت یک تیتر فریبنده: «همه ما لبنانی هستیم».

در این سرمقاله اگرچه از «کابوس هلال شیعی» برای دولت‌های عربی سخن به میان آورده‌اید، اما در ادامه با لحن و عبارت‌سازی خاص خود به آنها و مهمتر از آنها، آمریکا و غرب، تاکید می‌کنید که آن کابوس در حال تعبیر شدن است: «عراق امروز نزدیک‌ترین عراق تاریخ به ایران است. قدرتمندترین شخصیت اجتماعی عراق آیت‌الله سیدعلی سیستانی زاده مشهد است و به جز ایاد علاوی دیگر سران حکومت و مجلس موقت و دائم عراق همه از دوستان ایران به حساب می‌آیند. در سوریه و لبنان نیز دوستان ایران بخش مهمی از قدرت سیاسی را در اختیار دارند. به این ترتیب شیعیان می‌توانند مسیر طلایی مدیترانه تا خلیج‌فارس را بدون هیچ مانعی طی کنند و ذخایر فراوان نفت و گاز و سواحل و مزارع و... را در اختیار بگیرند. در این جغرافیای شیعی به همه زبان‌های اصلی جهان اسلام از فارسی (ایران) و ترکی (آذربایجان ایران) تا عربی (عراق و لبنان) و اردو (پاکستان) از جنبش شیعه دفاع می‌شود.»

در شرایطی که به گفته خود شما حساسیت‌های جهان عرب نسبت به شیعه بودن حزب‌الله موجب شده بسیاری از حکام آنها در برابر جنایات رژیم صهیونیستی چشم برهم نهند و از سوی دیگر سیدحسن نصرالله با عنایت به همین مسئله تمامی تلاش خود را به کار برده تا وحدت «امت اسلامی» را در مقابل صهیونیسم مورد تاکید قرار دهد، این همه تاکید و اصرار جنابعالی بر شیعه بودن حزب‌الله و امکان حاکمیت شیعیان بر «مسیر طلایی مدیترانه تا خلیج‌فارس» و تسلط بر تمامی منابع آن چه معنا و مفهومی دارد؟ آیا این سخنان از سر اظهار دوستی و ارادت به شیعه است؟ آیا باید باور کنیم که جنابعالی متوجه نیستند با این گونه سخنان و تحلیل‌ها احساسات اهل سنت داخل ایران و نیز ملت‌های سنی مذهبی منطقه به شدت برانگیخته می‌شود؟ آیا وقتی می‌گویید: «اکنون شیعیان با سربلندی می‌توانند جغرافیای سیاسی خود را در دل خاورمیانه عربی و خاورمیانه غربی تثبیت کنند»، انتظار دارید ساده‌لوحانه و ابلهانه از این همه تعریف و تمجید جنابعالی از «شیعه» در شرایط حساس کنونی به وجد آییم و برایتان آرزوی توفیق بیشتر در خدمت به شیعه و شیعیان بنماییم؟

با کمال تاسف باید بگویم آن استقبال گرم و شایان از پیاده شدن نیروهای آمریکا در خاک خاورمیانه برای نابودی فاشیسم خاورمیانه و این اظهار شور و شعف از مسلط شدن شیعه بر مسیر طلایی مدیترانه تا خلیج‌فارس (همان هلال شیعی که مدت‌ها است به سوژه‌ای جدی در دست رسانه‌های صهیونیستی تبدیل شده است) دو روی یک سکه‌اند.

*** سردبیر هفته‌نامه متوقف شده ارزش‌ها (ارگان جمعیت دفاع از ارزش‌ها) و عضو دفتر مطالعات تاریخ معاصر ایران (به مدیریت عباس سلیمی نمین)**



